



## تقریرات درس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

جلسه‌ی شصت و سوم؛ شنبه ۱۳۹۱/۱۲/۵

### مقدار استحقاق هر مسلمان از خراج و اراضی خراجیه

تا این جا بیان کردیم اخذ خراج بیش از مقدار استحقاق جایز نیست، حال سؤالی که این جا مطرح می‌شود آن است که اصلاً مصارف خراجیه چگونه است و مقدار استحقاق هر شخصی چقدر است تا اخذ بیش از آن حرام باشد؟

مرحوم شیخ رحمته بحث کل اراضی و اراضی خراجیه را در شرائط العوضین، در کتاب البیع مطرح کرده به این صورت که یکی از شرائطی که باید عوضین داشته باشند، متمول و ملک بودن آن است. مرحوم شیخ رحمته در توضیح آن می‌فرماید:

فقهاء با اشتراط ملکیت در عوضین، از بیع آن چه را که مردم در آن مشترکند مانند آب، کلاً<sup>۱</sup> (گیاهانی که در مراتع است) ماهی در دریا، حیوانات قبل از اصطیاد و ... احتراز کرده‌اند؛ چراکه این امور بالفعل غیر

۱. کتاب العین، ج ۵، ص ۴۰۸:

و الکلاً: العشب، رطبه و بیسه. و العشب لا یكون إلا رطبا، و الخلی: الرطب من النبات، واحدها: خلاة، و منه اشتقت المخلاة. و أرض مُکَلَّئَةٌ و مَكَلَّأَةٌ: كثيرة الکلا، و قد یجمع الکلاً فیقال: أُکَلَّأُ.

۷ لسان العرب، ج ۱، ص ۱۴۸:

الکلاً عند العرب: یقع علی العشب و هو الرطب، و علی العروة و الشجر و النسی و الصلّیان الطیب، کلُّ ذلك من الکلا. غیره: و الکلاً، مهموز مقصور: ما یُرْعَى. و قیل: الکلاً العشب رطبه و یابسه، و هو اسم للنوع، و لا واحد له. و أَکَلَّتِ الأَرْضُ إِکْلَاءً و کَلَّتَتْ و کَلَّتَتْ: کنس کلّوها. و أرضٌ کَلِئَةٌ، علی النسب، و مَكَلَّأَةٌ: کَلَّناهما کثیرة الکلا و مُکَلَّئَةٌ، و سِواء یابسه و رطبه.

و الکلاً: اسم لجماعة لا یُفْرَدُ. قال أبو منصور: الکلاً یجمع النسی و الصلّیان و الحلمة و الشیح و العرفج و ضرب الغرأ، کلّها داخله فی الکلا، و كذلك العشب و البقل و ما أشبهها. و کَلَّتَتْ الناقة و أَکَلَّتَتْ: أَکَلَّتْ الکلاً.

مملوک است و کسی نمی‌تواند طیر در هوا، سمک در دریا، آب در رودخانه و ... را بفروشد؛ چون مالک آن نیست و فقط بعد از حیات و شکار می‌تواند بفروشد.<sup>۱</sup>

مرحوم شیخ رحمته سپس می‌فرماید: با این قید از بیع اراضی مفتوح العنوة نیز احتراز کرده‌اند؛ چراکه آن ملکیتی که در بیع مورد نظر است، نسبت به اراضی مفتوح العنوة وجود ندارد، هرچند تعبیر رایج آن است که اراضی مفتوح العنوة ملک جمیع مسلمین است.

مرحوم شیخ برای روشن شدن مطلب، پنج نوع ملکیت ذکر می‌کند و می‌فرماید اراضی مفتوح العنوة تحت هیچ یک از این اقسام نیست.

### اقسام پنج‌گانه‌ی ملکیت

#### ۱. ملک طلق مشخّص افراد

واضح است که اراضی مفتوح العنوة از این قسم نیست که هر کسی همان‌طور که مالک لباس خود، کتاب خود و ... می‌باشد، مالک اراضی مفتوح العنوة باشد، هرچند به مقدار بسیار کم.

#### ۲. ملکیت علی نحو الشیاع

اراضی مفتوح العنوة از نوع ملکیت علی نحو الشیاع هم نیست، چراکه ملکیت مشاع، آثاری دارد که در اراضی مفتوح العنوة نیست. از جمله این‌که هر کسی می‌تواند حصه‌ی مشاع خودش را بفروشد، به نسبت حصه‌ای که دارد مالک نماء می‌باشد، بعد از موت به ورثش منتقل می‌شود و اگر ورشکست شد، املاکش - اعم از ملک طلق و مشاع - فروخته و به بستانکاران داده می‌شود، در حالی که هیچ یک از این آثار در اراضی

۱. کتاب المکاسب، ج ۴، ص ۹:

[مسألة: من شروط العوضین: المالیة] یشرط فی کلّ منهما کونه متموّلاً؛ لأنّ البیع لغةً: مبادلة مالٍ بمالٍ ...

ثمّ إنّهم احتزروا باعتبار المملکیة فی العوضین من بیع ما یشرک فیہ الناس: کالماء، و الکلاء، و السموک و الوحوش قبل اصطیادها؛ لکون هذه کلّها غیر مملوكة بالفعل.

و احتزروا أيضاً به عن الأرض المفتوحة عنوة؛ و وجه الاحتراز عنها: أنّها غیر مملوكة لمملّکها علی نحو سائر الأملاک بحیث یکون لكلّ منهم جزءٌ معین من عین الأرض و إن قلّ؛ و لذا لا یورث، بل و لا من قبیل الوقف الخاصّ علی معینین؛ لعدم تملّکهم للمنفعة مشاعاً، و لا کالوقف علی غیر معینین کالعلماء و المؤمنین، و لا من قبیل تملّک الفقراء للزکاة و السادة للخمس بمعنی کونهم مصارف له لعدم تملّکهم لمنافعها بالتبض؛ لأنّ مصرفه منحصر فی مصالح المسلمین، فلا یجوز تقسیمه علیهم من دون ملاحظه مصالحهم، فهذه المملکیة نحوّ مستقلّ من المملکیة قد دلّ علیہ الدلیل، و معناها: صرف حاصل الملك فی مصالح المملّک.

ثمّ إنّ کون هذه الأرض للمسلمین ممّا ادّعی علیہ الإجماع و دلّ علیہ النصّ کمرسلة حمّاد الطویلة و غیرها.

مفتوح العنوة برای مسلمین نیست؛ چون طبق فرض - شاید اجماع هم بر آن قائم باشد - کسی نمی‌تواند اراضی مفتوح العنوة را هرچند به نحو مشاع بفروشد و مالک ثمن آن شود و اگر بدهکار بود هیچ قاضی‌ای نمی‌تواند حکم کند بدهی او را از فروش سهمش از اراضی خراجیه داده شود و اگر بمیرد به عنوان ارث به وراثش نمی‌رسد که وراثش دو نوع سهم داشته باشند؛ یکی سهم خودشان و دیگری به عنوان ارث. پس اراضی خراجیه نه اجزاء خارجی و معین آن مال افراد است و نه جزء مشاعش، هرچند به مقدار بسیار کم.

### ۳. ملکیت وقف خاص نسبت به موقوف علیهم

در وقف خاص - مانند وقف باغی بر اولادی که تعدادشان معین است تا وقتی که هستند - یک نوع ملکیتی برای موقوف علیهم وجود دارد، به این صورت که گرچه از تصرف در عین موقوفه به نحو فروش و نقل و انتقال محرومند، اما به نحو مشاع در منافع آن شریکند.

اراضی مفتوح العنوة چنین ملکیتی نیز برای مسلمین ندارد و این چنین نیست که ارتفاع (= درآمد) آن اراضی به نحو مشاع مال همه‌ی مسلمانان باشد.

### ۴. ملکیت وقف عام نسبت به موقوف علیهم

مرحوم شیخ می‌فرماید: ملکیت مسلمین نسبت به اراضی مفتوح العنوة، مثل وقف عام بر افراد غیر معین هم نیست، چراکه در وقف عام - مانند وقف باقی بر علماء که تعدادشان غیر معین است - موقوف علیهم مصارف منافع آن بوده و با قبض مالک آن می‌شوند<sup>۱</sup>، ولی در اراضی مفتوح العنوة، مسلمین با قبض نیز مالک منافع نمی‌شوند؛ چون منافع اراضی خراجیه فقط باید صرف مصالح مسلمین شود.<sup>۲</sup>

### ۵. ملکیت سادات و فقراء نسبت به خمس و زکات

مرحوم شیخ می‌فرماید: نسبت اراضی مفتوح العنوة با مسلمین مانند نسبت خمس و زکات به سادات و فقراء هم نیست؛ زیرا سادات و فقراء مصارف زکات و خمس به شمار می‌روند و با قبض مالک می‌شوند، اما همان‌طور که بیان کردیم در اراضی خراجیه، مسلمانان با قبض نیز مالک نمی‌شوند.

---

۱. در فرض مثال، عنوان علماء مالک منافع آن باغ محسوب می‌شود؛ نه اشخاص علماء و اشخاص بعد از اقباض متولی، مالک می‌شوند. البته در این که عنوان علماء مالک عین است یا منافع، اختلاف است.

۲. باید مراد شیخ رحمته غیر صورتی باشد که ولی مسلمین چیزی را از عائدات خراج تملیک اشخاص می‌کند، مگر آن‌که گفته شود در این جا هم مبلغ مذکور ملک افراد نمی‌شود و فقط مصرف هستند.

بنابراین ملکیت مسلمین بر اراضی خراجیه منطبق بر هیچ یک از انواع پنج‌گانه‌ی ملکیت نیست و باید آن را یا قسم دیگری در عرض انواع پنج‌گانه ذکر کنیم که تنها این اثر و حکم را دارد که ولی امر منافع آن را در مصالح مالکان (مسلمین) صرف می‌کند، یا همان‌طور که صاحب جواهر<sup>رحمته</sup> از بعضی نقل کرده، آن را از ملکیت تنزل داده و به عنوان «حق» از آن یاد کنیم.

### کلام صاحب جواهر<sup>رحمته</sup> در ملک یا حق بودن اراضی مفتوح العنوة برای مسلمین

صاحب جواهر<sup>رحمته</sup> می‌فرماید:

فظاهر النصوص و الفتاوی بل صریح بعضها أنها ملك المسلمین برقبتهما، و يتبعه ارتفاعها؛

ظاهر نصوص و فتاوی و بلکه صریح بعضی آن است که رقبه‌ی اراضی مفتوح العنوة، ملک مسلمین است و بالتبع درآمد آن نیز ملک مسلمین می‌باشد.

و ربما ظهر من ثانی الشهیدین سیما فی الروضة عدم كون المراد ملك الرقبة، بل المراد صرف حاصلها فی مصالح المسلمین؛

ولی از کلمات شهید ثانی<sup>رحمته</sup> خصوصاً در «الروضة البهیة» استفاده می‌شود مراد این نیست که رقبه، ملک مسلمین می‌شود، بلکه مراد آن است که باید منافع آن صرف مصالح مسلمین شود. بل فی الکفایة أن المراد بكونها للمسلمین أن الإمام يأخذ ارتفاعها و یصرفه فی مصالح المسلمین علی حسب ما یراه، لا أن من شاء من المسلمین له التسلط علیها أو علی بعضها بلا خلاف فی ذلك؛

بلکه در کفایه‌ی محقق سبزواری آمده، مراد از این که اراضی مال مسلمین است آن است که امام<sup>علیه السلام</sup> درآمد زمین را اخذ می‌کند و آن را به صلاح دید خود در مصالح مسلمین مصرف می‌کند، نه آن که هر یک از مسلمین خواست بر همه یا بخشی از آن می‌تواند تسلط داشته باشد. در این مسأله خلافی نیست.

بل عن مجمع البرهان معنی کون هذه الأرض للمسلمین کونها معدة لمصالحهم العامة مثل بناء القناطر، ثم قال: «لأنهم ليسوا بمالكین فی الحقیقة، بل هی أرض جعلها الله تعالی كالوقف علی مصالح المستأجر و غیره من المسلمین، لا أنها ملك للمسلمین علی الشركة؛

بلکه در مجمع البرهان محقق اردبیلی آمده است: معنای این که ارض خراج برای مسلمین است آن است که برای مصالح عامه‌ی مسلمین، مانند ساختن پل می‌باشد. سپس می‌فرماید: به خاطر آن که در حقیقت مالک آن نیستند، بلکه زمینی است که خداوند متعال آن را مانند وقف بر مصالح مستأجر آن زمین و دیگر مسلمانان قرار داده؛ نه آن که ملک مسلمین به نحو شرکت باشد. و من هنا جعل بعض الناس المسألة خلافية، و ذکر فیها قولین، لکن یمکن إرادة الجميع معنی واحدا، و هو عدم الملك على كيفية ملك الشركاء المتعددين وإنما المراد ملك الجنس نحو ملك الزكاة و غيرها من الوجوه العامة و ملك الأرض الموقوفة على المسلمين إلى يوم القيامة، بناء على أن الموقوف ملك الموقوف عليه، فلا يقدح تخلف بعض أحكام ملك المشخصين.<sup>۱</sup>

به همین خاطر است که بعضی، مسأله را اختلافی قرار داده و دو قول برای آن ذکر کرده‌اند. لکن می‌توان گفت همه یک معنا را اراده کرده‌اند [یعنی چه آن‌هایی که می‌گویند ملک مسلمین است و چه آن‌هایی که می‌گویند حق مسلمین است؛ نه ملک آنان و چه آن‌هایی که حتی تعبیر به حق نکرده و گفته‌اند امام عليه السلام منافع آن را صرف در مصالح مسلمین می‌کند، همه یک مطلب را می‌خواهند أداء کنند] و آن این که مسلمین به نحو شرکاء متعدد، مالک اراضی نیستند، بلکه ...

برای رسیدگی به این مطالب ابتداء باید روایات مربوط به اراضی مفتوح العنوة و کیفیت تعلق آن به مسلمین را مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم قضاوت کنیم کدام یک از این اقوال درست است و اراضی خراجیه چه تفاوتی با سایر اراضی دارد؟ اصل ارض و ارتفاع آن مال کیست و چگونه باید مصرف شود؟

تقریر متن: عبدالله امیرخانی

استخراج منابع و روایات: جواد احمدی

۱. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۱، ص ۱۶۲.